

تنوع تلمیحات و ارتباط آن با ذهنیت شاعران در غزل معاصر (فاضل نظری، محمدرضا ترکی، محمد مهدی سیار)

برات محمدی

استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسؤول)

نویسنده مسؤول: Email: barat.mohammadi@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

چکیده

تلمیح یکی از پرکاربردترین صنایع بدیعی در شعر سنتی و معاصر است. برخلاف دیگر اشکال صنایع بدیعی که کاربرد خود را تا مقیاس بزرگی در شعر معاصر از دست داده اند، اما تلمیح یکی از این صنایع است که حیات خود را در شعر معاصر نیز تداوم بخشیده است. در کنار تداوم، این صنعت ادبی مزایای نیز دارد و تلمیحات نو و جدیدی نیز به دایره تلمیحات شعر در دوره معاصر افزوده شده است. در غزل فاضل نظری، محمدرضا ترکی و محمد مهدی سیار نیز این صنعت یکی از پرکاربردترین صنایع است. با توجه به این که تاکنون پژوهشی در ابعاد گوناگون تلمیح از لحاظ خاستگاه، نو بودن و کهنه بودن، ارتباط با جهان‌نگری و ذهنیت در شعر این شاعران صورت نگرفته بود، در این پژوهش برآن شدیم تا شعر این شاعران را از این لحاظ مورد بحث و بررسی انتقادی قرار دهیم. نتیجه پژوهش حاضر، غلبه تشبیهات با خاستگاه قرآنی و آیینی را در شعر این شاعران نشان می‌دهد. نوگرایی این شاعران نیز بیشتر در تلمیحات آیینی و مذهبی اتفاق افتاده است. روش پژوهش حاضر تحلیلی-توصیفی است.

کلیدواژه: تلمیح، غزل معاصر، فاضل نظری، محمدرضا ترکی، محمد مهدی سیار.

۱- مقدمه

صنعت «تلمیح» از پرکاربردترین صنایع و شگردهای بلاغی در شعر شاعران از گذشته تا به امروز بوده است. می‌توان گفت از میان انواع صنعت‌های لفظی و معنوی، تلمیح از صنایعی است که جایگاه خود را در شعر معاصر نیز همچون شعر سنتی حفظ کرده و برخلاف بسیاری صنایع هم‌چون «حسن تعلیل»، «حسن طلب» و ... که آن‌چنان اثر و نشانی از آن‌ها در شعر معاصر دیده نمی‌شود، از میان نرفته و زنده و جاندار به حیات خود ادامه می‌دهد. این واژه «در فرهنگ واژگان زبان عربی مصدر باب تفعیل از ریشه «لَمَحَ، يَلْمَحُ، لَمَحًا و لَمَحَانًا» است. در زبان عربی به معانی نگاه کردن، اشاره کردن، درخشیدن، نظر و نگریستن کوتاه و شتاب‌زده و ... به کار رفته است» (ر.ک: ابن منظور، بی تا، لمح) معنای لغوی «تلمیح» را «نگاه کردن به چیزی، اشاره کردن به سوی چیزی» (معین، ج ۱، ذیل واژه) و «نمودن و آشکار کردن» (دهخدا، ذیل تلمیح) دانسته‌اند. در اصطلاح ادبیات: «آن است که شاعر بر تبیین و اثبات سخن خود اشاراتی ضمنی به آیات و احادیث یا داستان‌های معروف، بکند» (ر.ک: فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۴۴) تلمیح که در اصطلاح ادبیات بیشتر اشاره به قصه و داستان و حکایتی و ... است دارای ویژگی بلاغی و زیبایی‌شناسی و عامل «ایجاز» در کلام نیز هست؛ تلمیح را نوعی از ایجاز، یعنی دلالت الفاظ اندک بر معانی بسیار دانسته‌اند (شمس قیس، ۱۳۸۸: ۳۲۵). تلمیح از طریق ایجاد تداعی‌های متفاوت بر تأثیر شعر می‌افزاید و در عمق بخشیدن به شعر، سهیم است. حضور تلمیحات گوناگون در

شعر، نشان پشوانه غنی فرهنگی، ادبی و تاریخی شاعر است. تلمیح ارتباطی با تشبیه نیز دارد و می‌توان گفت که بن مایه تلمیح، تشبیه است نکته‌ای که شمیسا چنین به آن اشاره می‌کند: «(تلمیح) در ژرف ساخت، تشبیه و تناسب دارد؛ زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزای داستان، تناسب وجود دارد» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۹۰). شاعران با اشاره به داستان‌های متفاوت و متنوع قصد این را دارند که وقایع مرتبط با خود و احساسات خود و حال درون و بیرون خود را به این وقایع مانند کنند و در قالب آن سخن خود را هر چه رساتر و با ارزش بلاغی بیشتر بیان دارند. گاه نیز با تلمیح، بهتر می‌توانند حال درون خود را به مخاطب انتقال دهند؛ چرا که تلمیح در عین این‌که در شعر عامل «ایجاز» است در ذهن مخاطبی که آشنا با آن است شبکه‌های پیوسته تداعی را شکل می‌دهد و کلیت یک داستان در قالب اشاره‌ای به آن در ذهن مخاطب زنده می‌شود و به این شکل شاعر هر چه بهتر می‌تواند منظور و مقصود خود را عینیت بخشیده و انتقال دهد.

در دوره معاصر دایره تلمیحات گسترده‌تر شده است و تلمیحات جدیدی به دایره تلمیحی شعر فارسی افزوده شده است که علل آن به قرار زیر است:

«۱- در نتیجه ارتباط‌های فرهنگی بین اقوام مختلف و تاثیرهای متقابل فرهنگ‌ها بر روی یکدیگر

۲- تحت تاثیر وقایع اجتماعی و سیاسی

۳- در نتیجه انعکاس زندگی خصوصی شاعران در شعر

۴- در نتیجه پیشرفت علوم مختلف و آشنایی شاعر با آن علوم یا بخشی از آن‌ها» (محمدی، ۱۳۷۴: ۳۰-۳۱)

غزل معاصر نیز خالی از تلمیحات نیست و در کنار سایر قالب‌های شعری، در این قالب شعری نیز حضور تلمیحات متنوع را می‌بینیم. در اشعار فاضل نظری، محمدرضا ترکی و محمد مهدی سیار که موضوع پژوهش حاضر در زمینه انعکاس تلمیحات متفاوت در شعرشان است نیز می‌توان به انواع تلمیحات قرآنی، آیینی و مذهبی، عاشقانه، عارفانه و... و از جهتی به کهنه و نو برخورد. پژوهش حاضر برآن است تا تلمیحات این شاعران را از لحاظ خاستگاه (قرآنی، آیینی، اساطیری و حماسی بودن، ...)، معاصر بودن و سنتی (کهنه) بودن، ارتباط ذهنیت و جهان‌بینی و تلمیح، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل انتقادی قرار دهد.

۱-۱- بیان مسأله

شعر معاصر فارسی، علی‌الخصوص قالب غزل، از ظرفیت‌های زیادی برای بازتاب اندیشه‌ها و دغدغه‌های شاعران برخوردار است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای شاعران در این عرصه، استفاده از تلمیحات است. تلمیحات به عنوان اشاراتی ظریف به داستان‌ها، روایات، وقایع و متون مذهبی، می‌توانند لایه‌های عمیقی به شعر ببخشند و ارتباط مخاطب را با اثر هنری افزایش دهند. تلمیح در شعر معاصر نه تنها حیات خود را حفظ کرده، بلکه با افزودن تلمیحات نو و جدید، دایره معنایی شعر را گسترده‌تر کرده است. در این میان غزل‌سرایان معاصر، به‌ویژه فاضل نظری، محمدرضا ترکی و محمد مهدی سیار با بهره‌گیری گسترده از تلمیحات، سعی در بیان دیدگاه‌ها و جهان‌بینی خود دارند. با وجود اهمیت تلمیحات در شعر این شاعران، پژوهشی جامع که به بررسی انواع تلمیحات، خاستگاه آن‌ها، میزان نوآوری در استفاده از تلمیحات و ارتباط آن‌ها با ذهنیت و جهان‌بینی شاعران بپردازد، صورت نگرفته است. بررسی تلمیحات این شاعران، نه تنها به درک شعر آن‌ها کمک می‌کند بلکه می‌تواند به شناخت عمیق‌تری از تحولات فکری و فرهنگی جامعه معاصر نیز منجر گردد. از این‌رو، شناخت و تحلیل تلمیحات به کار گرفته شده در شعر این شاعران و ارتباط آن با ذهنیت آن‌ها، به درک بهتری از شعر معاصر و دغدغه‌های شاعران کمک می‌رساند.

۲-۱- سؤالات تحقیق

پرسش‌های مطرح در این مقاله به شرح ذیل است:

- ۱- تلمیحات به کار رفته در غزلیات فاضل نظری، محمدرضا ترکی و محمد مهدی سیار چه خاستگاه‌های دارند؟
- ۲- میزان نوآوری در به کارگیری تلمیحات در غزلیات این شاعران تا چه اندازه است؟
- ۳- چه ارتباطی بین تلمیحات به کار گرفته شده در غزلیات این شاعران و ذهنیت، جهان‌بینی و ایدئولوژی آن‌ها وجود دارد؟

۱-۳- فرضیه تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد که تلمیحات با خاستگاه قرآنی و مذهبی، بیشترین بسامد را در غزلیات این شاعران داشته باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد نوآوری در استفاده از تلمیحات، بیشتر در حوزه تلمیحات مذهبی و آیینی می‌باشد.
- ۳- به نظر می‌رسد که بین تلمیحات به کار گرفته شده در غزلیات این شاعران و گرایش‌های فکری، مذهبی و سیاسی آن‌ها ارتباط مستقیمی وجود داشته باشد.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در مورد تلمیح پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. از جمله مهمترین کتاب‌ها در این زمینه، «فرهنگ تلمیحات معاصر» از محمدحسین محمدی، «فرهنگ تلمیحات» سیروش شمبسا و «فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی» از محمدجعفر یاحقی را می‌توان نام برد. کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» از علی اصغر حلبی نیز کتاب ارزشمند در این مورد است. مقالات زیادی هم در این مورد به نگارش درآمده که می‌توان به «چهره پیامبران و قصص قرآن در ادبیات فارسی» از رضا انزایی نژاد، «مضامین داستان قرآنی یوسف (ع) در شعر معاصر»، از نعمت‌الله ایران زاده و سید احمد ذبیحی، «سیر تحول تلمیح نوح در قرن چهارم تا چهاردهم» از مرضیه شوشتری و برخی منابع دیگر اشاره کرد. تاکنون پژوهشی که به غزلیات شاعران مورد پژوهش از لحاظ خاستگاه تلمیح، نو بودن و کهنه بودن و ارتباط ذهنیت و تلمیح پرداخته باشد، به نگارش درنیامده است.

۱-۵- روش تحقیق

تحقیق حاضر یک پژوهش نظری است و با فیش‌برداری و مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. روش تحقیق مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی است. ابتدا به توصیف تلمیحات موجود در غزلیات شاعران مورد نظر پرداخته شده و سپس این تلمیحات از جنبه‌های مختلف همچون خاستگاه، نو و کهنه بودن و ارتباط با جهان‌بینی و ذهنیت شاعران مورد تحلیل قرار گرفته است. بسامد تلمیحات به کارگرفته شده نیز ارائه شده است.

۱-۶- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل تلمیحات به کار گرفته شده در غزلیات شاعران مورد نظر است. این بررسی شامل تعیین خاستگاه، ارزیابی میزان نوآوری در استفاده از آن‌ها و بررسی ارتباط این تلمیحات با ذهنیت، جهان‌بینی و گرایش‌های فکری شاعران می‌باشد. انجام این تحقیق باعث می‌شود که به درک عمیق‌تری از شعر معاصر، دغدغه‌های شاعران و چگونگی انعکاس ارزش‌های دینی، آیینی و تاریخی در شعرشان دست یابیم.

۲- بحث و بررسی

در این جا تلمیحات شاعران مورد نظر را از جنبه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

۲-۱- تلمیحات فاضل نظری از لحاظ خاستگاه

تلمیحات در اشعار شاعران ایرانی را می‌توان از لحاظ خاستگاه و منشأ به انواع متفاوت تلمیحات قرآنی، آیینی و مذهبی، اساطیری و حماسی، عرفانی، عاشقانه، فولکلوریک و ... تقسیم بندی کرد. نظری، ترکی و سیار هر کدام از منابعی در تلمیحات خود بهره برده‌اند که در این میان برخی، جزو اصلی‌ترین منابع به شمار می‌آیند. در بررسی شعرفاضل نظری از این بُعد، می‌توان حضور تلمیحات با خاستگاه قرآنی، آیینی، عرفانی، عاشقانه، تاریخی، اساطیری، حماسی، فولکلوریک را دید. نظری در بسیاری موارد از تلمیحات قرآنی در جهت انتقال احساس و اندیشه‌های خود بهره برده است. آشنایی جامعه دین‌مدار ایرانی با این تلمیحات سبب شده تا شاعر از این رهگذر بتواند ضمن تسهیل ارتباط خود با مخاطب، پشتوانه و فرهنگ غنی قرآنی و دینی خود را نیز به تصویر کشد. داستان حضرت یوسف (ع)، یکی از پرکاربردترین این تلمیحات است و او به اجزاء متفاوت این داستان همچون «به چاه انداخته شدن یوسف (ع)» (نظری، ۱۳۹۸: ج/۳۳)، فروخته شدن مثل بردگان (همان: ب/۳۳) پیراهن پاره یوسف (همان: ج/۹۱)، صبر حضرت یعقوب در فراق یوسف (نظری، ۱۳۸۸: ۲۵)، حضرت یوسف و زن دوک ریس که در بازار برده‌فروشان قصد خرید حضرت را داشته (همان: ۳۹)، زندانی شدن یوسف (همان: ۸۳) باز شدن چشم حضرت یعقوب با پیراهن یوسف (نظری، ۱۳۹۸: ب/۴۳)، صبر یعقوب (نظری، ۱۳۸۸: ۲۱)، عشق یوسف و زلیخا (نظری، ۱۳۹۸: الف/۵۷)، خیانت برادران به یوسف (نظری، ۱۳۸۸: ۲۱) یوسف و تعبیر خواب مصریان (نظری، ۱۳۹۳: ۸۵) تلمیح داشته است. از داستان‌های دیگر قرآنی که در شعر او مورد تلمیح بوده می‌توان به «حضرت ابراهیم و بردن حضرت اسماعیل به قربانگاه» (نظری، ۱۳۹۸: ج/۹۱)، حضرت موسی و شکافتن دریا (رود نیل) (نظری، ۱۳۹۳: ۲۵)، حضرت موسی و فرعون و انداخته شدن حضرت موسی در صندوقچه به رود نیل (نظری، ۱۳۹۸: الف/۴۷) یهودا و خیانت او به حضرت عیسی (ع) (نظری، ۱۳۹۳: ۲۵ و ۱۳۹۸: الف/۴۱)، حضرت آدم (ع) و میوه ممنوعه (نظری، ۱۳۸۸: ۱۹) آدم و سیب (نظری، ۱۳۹۸: الف/۱۹) آدم و رانده شدن از بهشت (نظری، ۱۳۸۸: ۳۱ و نظری، ۱۳۹۳: ۲۳) طوفان نوح (نظری، ۱۳۸۸: ۷۹/۲۷) داستان اصحاب کهف و خواب سیصد و سه ساله و سکه‌های نارایج آن‌ها (همان: ۴۳) اشاره کرد. تلمیحات با خاستگاه «قرآنی»، بالاترین درصد تلمیحات نظری را به خود اختصاص داده‌اند و حدود ۶۱ درصد را شامل می‌شوند. از بین این تلمیحات نیز، تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع)، پربسامدترین است و حدود ۵۷ درصد تلمیحات قرآنی شاعر را شامل می‌شود. فلذا این تلمیح را می‌توان تلمیح مرکزی (central allusion) در غزل نظری دانست. تلمیح مرکزی، تلمیحی است که «در آثار یک شاعر دایم دور می‌زند و تکرار می‌شود و یا بسامد تکرار آن تلمیح در بین تلمیحات دیگرش کاملاً چشم‌گیر است» (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۶)

۲-۱-۱- تلمیحات دینی و مذهبی

تلمیحات دینی و مذهبی نیز در شعر نظری به چشم می‌خورد. تلمیحات مذهبی شاعر غالباً در مورد واقعه کربلا و شهادت جانشوز امام حسین (ع) است. حضور این تلمیحات نشان از ارادت شاعر به محضر امام بزرگوار شیعیان و گرایش به شعر آیینی است. نظری در مورد امام حسین (ع) بیشتر به موضوعاتی چون به نیت کردن سر آن بزرگوار (نظری، ۱۳۹۸: ج/۹۱) که علی معلم در بیت زیر پیش از او به این تلمیح پرداخته است:

روزی که بر جام شفق مل کرد خورشید بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید (معلم، ۱۳۸۷: ۷۷)

همچنین شاعر به نقش حرّ در کربلا (نظری، ۱۳۹۸: ج/۵۵)، کربلا و شهادت (نظری، ۱۳۹۸: ب/۷۱) آتش زدن خیمه‌ها در کربلا به دست متظاهران به دین (نظری، ۱۳۹۸: الف/۹۹) اشاره کرده است.

۲-۱-۲- تلمیحات اساطیری و حماسی

تلمیحاتی که خاستگاه آن اساطیر است در شعر نظری بسیار نادرند؛ او در یک نمونه تلمیح، «جمشید» شخصیت اسطوره‌ای و «کوروش» پادشاه تاریخی ایران را در کنار هم آورده و از بی وفایی دنیا به حکمرانان بزرگ سخن گفته است:

در چرخش تاریخ چه سر خورده چه سرخوش دنیا نه به جمشید وفا کرد نه کورش (نظری، ۱۳۹۸: ب/۳۷)

در شعر نظری، چندان نشانی از حضور عناصر حماسی شاهنامه نیست و این ویژگی بیشتر به این سبب است که ذهنیت نظری، ذهنیتی غنایی است و با این اثر حماسی چندان سنخیتی نداشته است. در دو مورد تلمیح هم که از این اثر دارد حضور زنان یعنی «تهمینه» و «سودابه» برجسته است تا پهلوانان و جنگاوران و عناصر رزمی:

از رستم پیروز همین بس که بپرسند از کشتن سهراب به تهمینه چه گفتی؟ از (نظری، ۱۳۹۸: ب/۲۱)
آسوده ام از آتش نیرنگ حسودان تهمت سودابه بری باد سیاوش (همان: ۳۷)

۲-۱-۳- تلمیحات عرفانی

تلمیحات عرفانی نیز در شعر نظری کم کاربردند و او در دو مورد به داستان «حلاج و بردار شدن» وی اشاره کرده است. تلمیحی که یکی از پرتکرارترین تلمیحات در شعر سنتی است:

ای کشته سوزانده بر باد سپرده جز عشق نیاموختی از قصه حلاج (همان: الف/۴۷)
به جرم عشق تو بگذار آتشم بزنند برای کشتن حلاج دار کافی نیست (همان: ۷۹)

۲-۱-۴- تلمیحات عاشقانه

تلمیحات عاشقانه در مجموع در شعر معاصر نسبت به شعر سنتی، کم‌اند. مؤلف کتاب «فرهنگ تلمیحات شعر معاصر» در این باره می‌نویسد: «به جرأت می‌توان گفت تلمیحات عاشقانه چون لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد و نظایر آن‌ها (که در شعر کلاسیک فارسی بار عظیمی از معانی را به دوش می‌کشیدند و دایره وسیعی داشتند) در شعر امروز (به جز چند مورد معدود) از بین رفته‌اند» (محمدی، ۱۳۷۴: ۲۶). این ویژگی ناشی از رویکرد نوگرایی در غزل معاصر بوده است؛ غزل‌پردازان معاصر چنان روی خوشی به نام بردن از این کهنه عاشق‌ها و معشوق‌ها نداشتند:

تا کی همان عذرا و وامق‌ها؟ آن خسته‌ها، آن کهنه عاشق‌ها

باید برای این بیابان نیز، دیوانگانی دیگر اندیشید

تا چند شیرین داستان باشد؟ افسونگری نامهربان باشد

باید برای دل شکستن نیز، نامهربانی دیگر اندیشید (منزوی، ۱۳۹۵: ۴۵۹)

با این همه، از این میان فقط لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد در مقایسه با دیگر تلمیحات کاربرد نسبتاً بیشتری دارند. نظری شاعری با ذهنیت غنایی است و در تلمیحات با خاستگاه عاشقانه، در سه مورد به «فرهاد» و «شیرین» اشاره کرده است.

شور شیرین تو را نازم که بعد از قرن‌ها هر که لاف عشق زد نامی هم از فرهاد برد (نظری، ۱۳۹۸: ب/۶۳)
اگر کوهم خراب از قصه فرهاد خواهم شد کنار نام اهل عشق من هم یاد خواهم شد (همان: ۶۱)
قصه فرهاد دنیا را گرفت ای پاشاه دل به دست آوردن از کشورگشایی بهتر است (نظری، ۱۳۹۸: الف/۲۳)

۲-۱-۵- تلمیحات تاریخی

تلمیحاتی که ریشه در تاریخ داشته باشد، در شعر معاصر حضور دارد. شاعران معاصر در شعر خود شخصیت‌های تاریخی و داستان‌های مربوط به آن‌ها را مورد تلمیح قرار داده‌اند. از این میان در شعر نظری، «بهلول» به عنوان یکی از «عقلاء مجانین» که عبارات پندآموز بسیاری از او در متون و فرهنگ شفاهی مردم نقل می‌شود، مورد تلمیح قرار گرفته است:

بهلول وار فارغ از اندوه روزگار خندیده‌ایم ما به جهان یا جهان به ما (نظری، ۱۳۹۸: ب/۸۵)

نظری به داستان طوطی و بازرگان که به نوعی از مثنوی معنوی الهام گرفته، تلمیح داشته است (نظری، ۱۳۹۸: الف/۸۱) هم چنین به داستان دیوجانس فیلسوف یونانی که مولانا نیز در مثنوی به آن پرداخته، تلمیح کرده است:

نخواست شیخ بیابد مرا که یافتیم چراغ نه! که به گشتن هم احتیاج نداشت (نظری، ۱۳۸۸: ۴۳)

۲-۲- تلمیحات محمدرضا ترکی از لحاظ خاستگاه

تلمیحات در شعر محمدرضا ترکی گسترده‌تر و متنوع‌تر است و بخصوص در مجموعه «سال‌های بی‌ترانگی» بیشتر دیده می‌شود. ترکی در غزلیات خود از منابعی هم چون قرآن، آیین و مذهب، اسطوره، تاریخ، حماسه، عرفان و ... برای تلمیح استفاده کرده است. تلمیحات قرآنی و آیینی در شعر ترکی تقریباً به تعادل می‌رسد و در صد این تلمیحات تقریباً با هم مساوی بوده و حتی کفّه ترازو به سمت تلمیحات آیینی و مذهبی سنگینی می‌کند. این موضوع نشان از رویکرد مذهبی ترکی در شعر است و آن‌طور که در بررسی محتوایی شعرش هم می‌بینیم درصد اشعاری که ترکی اختصاص به بزرگان شیعه و ائمه داده، بسامد بالایی دارد و او چندین شعر مستقل و جداگانه در مورد امامان بزرگوار هم چون حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) و امام رضا (ع) و امام زمان (عج) سروده است. در تلمیحات قرآنی نیز خلاف رویکرد نظری که بسامد داستان حضرت یوسف (ع) در آن زیاد است، تنوع داستان‌های قرآنی بسیار بیشتر است و در این مورد نیز تعادل در تلمیحات قرآنی او دیده می‌شود و حوادثی از زندگی غالب پیامبران مورد تلمیح قرار گرفته است. در تلمیحات او حضرت یوسف، حضرت آدم، حضرت موسی، ایوب، حضرت ابراهیم، حضرت محمد (ع)، نوح، حوا مورد اشاره بوده است. از ۵۸ تلمیح مستخرج از دفترهای شعری «بغض در نواحی لبخند»، «سال‌های بی‌ترانگی»، «خاکستر آینه» و «هنوز اول عشق است»، ۱۹ مورد یا حدود ۳ درصد این تلمیحات خاستگاه دینی دارند. ۲۲ دو مورد یا حدود ۳۸ درصد این تلمیحات متعلق به حوزه آیینی و مذهبی شیعه، هفت مورد یا ۱۲ درصد دارای خاستگاه تاریخی، ۲ مورد یا حدود ۳/۵ درصد مربوط به حوزه عرفان و به همین اندازه دارای خاستگاه عاشقانه، چهار مورد یا حدود ۷ درصد مربوط به حوزه تلمیحات حماسی که همه برگرفته از شاهنامه و قهرمانان داستان‌های این اثر حماسی‌اند و دو مورد یا حدود ۳/۵ درصد مربوط به حوزه اساطیری. در تلمیحات با خاستگاه دینی موضوعاتی چون گریستن حضرت آدم بعد از هبوط به دنیا (ترکی، ۱۳۸۸: ۲۱)، اخراج آدم از بهشت (ترکی، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷: ۱۹) گندم و فریب آدم (همان: ۱۹)، حضرت یوسف و داستان دیدار او با زنان مصر و ترنج و بریدن دست‌ها (همان: ۲۶)، پیراهن حضرت یوسف و بینایی یافتن حضرت یعقوب با آن (ترکی، ۱۳۸۸: ۳۳)، درخواست حضرت موسی از حق برای دیدن او و جواب «لن ترانی» خداوند، صبر حضرت ایوب (ترکی، ۱۳۸۸: ۶۰)، ابراهیم خلیل‌الله و سرد شدن آتش بر او (ترکی، ۱۳۹۷: ۴۷)، حضرت محمد (ع) و جریان هجرت به مدینه و تنیدن عنکبوت بر در غار (همان: ۳۰)، حضرت نوح و نافرمانی فرزندش کنعان (ترکی، ۱۳۹۱: ۷۲)، داستان نوح و جوشیدن آب از تنور پیرزن (همان: ۷۲)، فریفته شدن حوا توسط شیطان (ترکی، ۱۳۸۸: ۲۵) مورد تلمیح قرار گرفته‌اند. در تلمیحات با خاستگاه آیینی و مذهبی نیز ۱۲ مورد به واقعه کربلا و شخصیت‌ها و حوادث مربوط به آن از جمله آتش زدن خیمه‌ها توسط یزیدیان (ترکی، ۱۳۹۷: ۲۱)، خون گریه کردن حضرت زینب (س) در صحرای کربلا (همان: ۲۴)، برده شدن هم‌چون اسراء به شام و حلب (ترکی، ۱۳۸۸: ۲۹)، بر نیزه کردن سر مبارک امام حسین (ع) (ترکی، ۱۳۸۹: ۷۴)، حبیب ابن مظاهر در کربلا (ترکی، ۱۳۹۷: ۵۶)، نامه‌های کوفیان به امام حسین (ع) (همان: ۷۴)، حرمه ملعون و انداختن تیر به جانب علی اصغر (ع) و علی اکبر (ع) (همان: ۷۴ و ۱۳۹۷: ۴۸) اشاره شده است. بعد از واقعه کربلا، بیشترین تلمیحات مرتبط با حضرت علی (ع) می‌باشد. در ۵ مورد تلمیحات مرتبط با حضرت علی (ع) و راز

گفتن و اشک ریختن او در چاه (ترکی، ۱۳۹۷: ۶۰)، جنگ صفین و عبارت (لا حکم الا لله)، ضربت خوردن حضرت علی (ع) توسط ابن ملجم (ترکی، ۱۳۹۷: ۵۱)، دفن مخفیانه حضرت فاطمه زهرا (ع) (همان: ۹۱) مورد اشاره قرار گرفته‌اند. هم‌چنین غربت امام رضا (ع) و ضامن آهو بودن او (ترکی، ۱۳۹۷: ۲۰) مورد تلمیح قرار گرفته و وقایع مرتبط با آخر زمان چون خروج سفیانی و یمانی نیز که در کتب شیعه آمده، مورد تلمیح قرار گرفته‌است.

۲-۲-۱- تلمیحات عرفانی

در تلمیحات عرفانی نیز ترکی به دو تلمیح از داستان حلاج که یکی از پرکاربردترین داستان‌ها در شعر سنتی و معاصر است، بسنده کرده است:

شما قامت به خون بستید چون منصور در میدان جان دادن در آن ساعت که می‌دادند بر گلدسته‌های شب ادا نمانه (ترکی، ۱۳۹۱: ۶۲)

تو را منصور نامیدند و بر داربلند عشق از این ظلمت سرا آن سووی مرز روشنا خواندند (ترکی، ۱۳۹۷: ۵۶)

۲-۲-۲- تلمیحات عاشقانه

تلمیحات عاشقانه در شعر ترکی کم کاربرد است؛ تلمیح به داستان لیلی و مجنون در شعر او آمده است.

یک تن از این جماعت ابن السلام‌ها مجنون یک کرشمه لیلایی تو نیست (ترکی، ۱۳۹۱: ۶۸)

از دست‌هایت سر به صحرا می‌گذارم باور کن ای لیلای من دست خودم نیست (ترکی، ۱۳۹۷: ۱۷)

۲-۲-۳- تلمیحات حماسی

در تلمیحات حماسی خیانت و نابرداری «شغاد» در حق رستم مورد تلمیح بوده و افراسیاب و رستم و هم‌چنین شخصیت‌هایی چون گرسیوز و کی‌کاووس نیز در کنار افراسیاب مورد تلمیح قرار گرفته‌اند و شاعر به بخش‌هایی از داستان‌های شاهنامه که این شخصیت‌های حماسی در آن حضور داشته‌اند، اشاره کرده است.

رستم به چاه نابردار دفن خواهد شد افراسیابی هم نباشد هست کاووسی (ترکی، ۱۳۹۱: ۲۸)

با دشمنان زبون و حقیرید و خاکسار با دوستان گرفته طریق تهمتنی

افراسیاب دشمن و سهراب دشمن است بدخواه این وطن چه تنی و چه ناتنی (ترکی، ۱۳۹۱: ۴۲)

ای کاش مرد آتش و خون بودند، افراسیاب جنگ و جنون بودند گرسیوزان دون و زبون اینجا پیران این جماعت بی‌پیرند (ترکی، ۱۳۸۸: ۵۵)

اگر افراسیاب و کینه‌اش هم دست بردارند زمین را آزمندیهای کی کاووس خواهد سوخت (همان: ۲۰)

۲-۲-۴- تلمیح با خاستگاه فولکلور

در تلمیحات با خاستگاه فولکلور نیز، شخصیت سامی «زرقاء» در شعر ترکی مورد تلمیح قرار گرفته و محملی برای انتقال اندیشه او شده است. «زرقاء یمامه زن اسطوره‌ای عرب، از قبیله جدیس، دارای شخصیتی افسانه‌ای که در امثال عربی به صورت «أَبْصَرُ مِنْ زَرْقَاءِ الْيَمَامَةِ، أَحْكَمُ مِنْ زَرْقَاءِ الْيَمَامَةِ» نمود یافته است. او دارای چشمانی آبی بوده و سوار را از مسافت سه روز می‌دید. اهمیت او به سبب داشتن قوه بینایی اش نیست بلکه دارای قوه بصیرت، همان ادراک و فطانت است» (شایگان مهر و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰۴)

در غزلی با مطلع زیر، ترکی به این ماجرا تلمیح داشته است:

زرقا نگاه کرد به آفاق دور دست کاوید و دید وسعت دشت یمامه را (ترکی، ۱۳۹۷: ۳۷)

۲-۵- تلمیحات تاریخی

چنگیز و تیمور لنگ شخصیت‌های تاریخی هستند که ایران و بخصوص شهر نیشابور را در دوره‌ای تاریخی ویران کردند و شاعر در بیت زیر تلمیح به این ویرانگری‌ها دارد:

تو نیشابور عشقی دورت از چنگال چنگیزان و دور از دست این تیمورهای لنگ می‌خواهم (ترکی، ۱۳۹۱: ۳۴)

۲-۳- خاستگاه تلمیحات سیار

محمد مهدی سیار در تلمیحات، غالباً از منابعی بهره برده که نظری و ترکی از آن بهره برده‌اند. در شعر او نیز قرآن و داستان‌های قرآنی، تلمیحات مذهبی و آیینی، تلمیحات عرفانی، اساطیری، عاشقانه و تاریخی حضور دارند. در شعر سیار در سه دفتر شعری «رودخوانی»، «بی‌خوابی عمیق» و «حق السکوت» که مورد بررسی قرار گرفت، تلمیحات آیینی و مذهبی بر تلمیحات قرآنی پیشی می‌گیرد امری که می‌توان آن را یک استثناء در شعر برخی از شاعران آیینی معاصر دانست؛ چرا که در شعر سنتی فارسی، همواره قرآن و اشارات و تلمیحات قرآنی بر دیگر تلمیحات، غلبه فاحش داشته است و این نشان از رویکرد خاص این شاعران است که تلمیحات آیینی شیعه را برجسته‌تر کرده‌اند و می‌تواند حاصل برکات انقلاب و غلبه گفتمان شیعی-اسلامی و گسترش آموزه‌های شیعی در این دوره نیز باشد. در شعر سیار به وقایع مختلفی از زندگی امامان بخصوص مولای متقیان امیرالمومنین (ع) و امام حسین (ع) اشاره شده است. از ۲۵ مورد تلمیحی که در این مورد آمده، یازده موردش مربوط به زندگی حضرت علی (ع) و وقایع مرتبط با این امام بزرگوار است و شاعر به وقایعی همچون «عدالت حضرت علی (ع) و ندادن صاعی گندم اضافه از بیت‌المال به برادرش عقیل» (سیار، ۱۳۸۸: ۲۹)، «اندوه حضرت علی (ع) در سوگ زهرا (س)» (سیار، ۱۳۹۳: ۵۰)، «واقعۀ فدک و شکسته شدن پهلوی مبارک حضرت زهرا (س)» (سیار، ۱۳۹۳: ۵۰)، «ساده زیستی مولای متقیان» (همان: ۳۶)، جنگ صفین و قرآن به سر نیزه‌ها کردن به دسیسه عمروعاص» (سیار، ۱۳۸۸: ۲۹/ ۱۳۹۱: ۷۴)، «گریه کردن حضرت در چاه» (سیار، ۱۳۸۸: ۲۹)، ابن ملجم و ضربت زدن بر سر مبارک امیرالمومنین (ع) (همان: ۳۹-۳۸)، شهادت امیرالمومنین (ع) (همان: ۳۹)، یتیم‌نوازی امیرالمومنین (ع) (همان: ۳۹)، «سستی لشکریان عراق در جنگ با شامیان که در نهج‌البلاغه بارها امام آن را بیان داشته» (همان: ۳۶) مورد تلمیح بوده است. بعد از زندگی امیرالمومنین (ع)، امام حسین (ع) و واقعۀ کربلاء بیشترین بسامد را در تلمیحات آیینی سیار داشته است. به گونه‌ای که از ۲۵ تلمیح ۷ مورد را شامل می‌شود. در این مورد نیز موضوعاتی چون شمر ملعون و بستن آب فرات بر روی یاران امام حسین (ع) (سیار، ۱۳۹۱: ۴۳)، یزید و دستور شهادت امام (ع) و یارانش (سیار، ۱۳۸۸: ۳۵)، امام حسین (ع) و بر نیزه کردن سر مبارک آن امام شهید (سیار، ۱۳۹۳: ۳۵)، کربلا و شهادت فرزند امام حسین (ع) علی اصغر (همان: ۵۱)، سقای کربلاء حضرت ابوالفضل (ع) و اشاره به تلاش او برای آوردن آب از فرات برای زنان و کودکان (همان: ۵۲)، اهل کوفه و بدعهدی و فریب امام (ع)، (سیار، ۱۳۸۸: ۲۹)، حضرت زینب (س) و واقعۀ کربلا (سیار، ۱۳۹۱: ۷۶). در مورد امامان دیگر نیز سیار یک بار به زندانی شدن امام موسی کاظم (ع) و تقیه او (سیار، ۱۳۸۸: ۴۱) اشاره کرده و غزلی در این مورد سروده است. در یک مورد هم تلمیحی به امام زمان (عج) (سیار، ۱۳۹۱: ۳۶) دارد. مالک اشتر نخعی سردار بزرگ اسلام در جنگ صفین نیز در دو جا، مورد تلمیح قرار گرفته است. (سیار، ۱۳۸۸: ۲۸) که در هر دو مورد به نزدیکی پیروزی در جنگ صفین و خیانت نیروهای خودی اشاره دارد؛ او این ویژگی را به زمانه معاصر و خیانت خودی‌ها نیز می‌کشد. به این شکل می‌بینیم که وقایع مربوط به زندگی امامان در شعر سیار بسیار منعکس شده است و معارف شیعی و تلمیح به آن در غزل این شاعر پر رنگ است. تلمیحات مذهبی و آیینی حدود ۴۹ درصد از تلمیحات شاعر را شامل می‌شوند.

۲-۳-۱- تلمیحات قرآنی

تلمیحات قرآنی نیز از پرکاربردترین تلمیحات در شعر سیار می‌باشند. او از این تلمیحات در شعرش بسیار استفاده کرده و در موارد متعددی برای القاء اندیشه خود دست به دامن این تلمیحات شده است. تلمیحات قرآنی سیار همچون تلمیحات ترکی متنوع است و وقایع مربوط به غالب پیامبران در آن

آمده است. داستان حضرت یوسف (ع) سه بار مورد تلمیح قرار گرفته و سیار به «چاه و یوسف» (سیار، ۱۳۸۸: ۲۹) و خیانت برادرانش به او (همان: ۲۹) و این که یوسف را گرگ خورده (سیار، ۱۳۹۱: ۷۵) اشاره داشته است. داستان ساحران و حضرت موسی (ع) هم که در قرآن آمده، یک بار مورد تلمیح در شعر سیار (سیار، ۱۳۹۳: ۳۳) بوده است. او به چوپانی حضرت موسی و فرعون نیز اشاره کرده است (همان: ۴۵) حمله ابرهه به مکه برای نابودی خانه خدا (سیار، ۱۳۸۸: ۳۵)، حضرت ابراهیم و چهار مرغ (سیار، ۱۳۹۳: ۵۴)، داستان نوح و کشتی اش (همان: ۳۳) آدم و حوا و رانده شدن از بهشت و هبوط به این عالم (همان: ۴۰) و قصه هابیل و قابیل و آموزش کلاغ دفن کردن را به هابیل (همان: ۳۵). از مواردی است که مورد توجه شاعر بوده است. کثرت این تلمیحات نشان از داشته‌های گسترده ذهنی شاعر در مورد آیات و روایات قرآنی دارد و نمود ارتباط گسترده با قرآن و معارف قرآنی است.

۲-۳-۲- تلمیحات تاریخی

در تلمیحات تاریخی شاعر می‌توان به سربداران و شعار معروف آنان اشاره کرد که می‌گفتند: سر به دار می‌دهیم اما تن به ذلت نمی‌دهیم. «اگر خداوند توفیق دهد رفع ظلم ظالمان می‌کنیم و یا سر خود بر دار اختیار کنیم و تحمل جور و ستم نداریم» (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۱۷۶) این موضوع در بیت زیرچنین منعکس شده است:

بیداد کن که نیستم از اهل سبزو ار هم تن دهم به ذلت و هم سر نهم به دار (سیار، ۱۳۸۸: ۴۹)

حافظ و رابطه عاشقانه‌اش با زنی به نام شاخ نبات هم که در شروع دیوان حافظ به آن پرداخته شده، در بیت زیر چنین مورد تلمیح قرار گرفته است:

شاعر شدن بهانه تلمیح کهنه‌ای است تا حافظ تو باشم شاخ نبات من (همان: ۵۳)

۲-۳-۳- تلمیحات با خاستگاه اسطوره و حماسی

در زمینه تلمیحات با منشأ اساطیر نیز «آب حیات و ظلمات و اسکندر مقدونی» و «داستان سیاوش» مورد تلمیح قرار گرفته است:

چندان مگرد،	جز ظلماتی نیست	ما گشته‌ایم	آب حیاتی نیست	(همان: ۴۵)
صبوران هم	آغوش زمستان	سیاوشان	خاموش زمستان	
یقین دارم	نمی‌ترسند	دراختان	کفن پوش زمستان	(همان: ۷۱)

۲-۳-۴- تلمیحات عاشقانه

تلمیحات عاشقانه در شعر سیار همچون دیگر شاعران موضوع پژوهش، کم رنگ‌اند و شاعر در سه مورد به این تلمیحات پرداخته است که یک مورد آن مربوط به فرهاد و شیرین و دو دیگر در ارتباط با لیلی و مجنون است:

بیاید هر که از فرهاد شیرین عقل تر باشد نیاید هیچ کس جز ما و مجنون ها و لیلاها (همان: ۳۳)

باری چنان که پیداست می‌خواست بی‌کم و کاست مجنون بیافریند لیلا بیافریند (همان: ۴۰)

۲-۴- تلمیحات از لحاظ نو (معاصر) بودن و کهنه بودن

تلمیحات را در یک دسته‌بندی دیگر می‌توان به تلمیحات کهنه و نو تقسیم کرد؛ تلمیحات کهنه تلمیحاتی‌اند که در شعر سنتی فارسی و نظم کهن کاربرد داشته‌اند و بر خلاف این، تلمیحات نو: «همان‌طور که از نامشان پیداست هیچ سابقه‌ای در شعر فارسی نداشته‌اند و یکسره جدید هستند» (محمدی، ۱۳۷۴: ۲۹). کارکرد عمده تلمیحات نو، غنی‌تر کردن دایره تلمیحات و افزودن به دایره تلمیحات شعر کلاسیک است. برخی تلمیحات در

شعر کلاسیک کاربردی نداشته‌اند و غالباً تحت تأثیر شرایط خاص سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته‌اند. زندگی خصوصی شاعران، ارتباطات جهانی و بین فرهنگی و پیشرفت علوم و پاره‌ای علل دیگر، عامل شکل‌گیری این تلمیحات بوده است. قریب به اتفاق تلمیحاتی که در شعر نظری، ترکی و سیار مورد استفاده قرار گرفته‌اند، تلمیحاتی‌اند که در شعر فارسی مسبوق به سابقه‌اند. مخصوصاً تلمیحاتی که خاستگاه قرآنی دارند به کرات در شعر شاعران سنتی آمده‌اند. یکی از وجوه نوگرایی در تلمیحات معاصر این است که شاعران به وجوهی از برخی تلمیحات اشاره کرده‌اند که در شعر سنتی مورد غفلت بوده است و آن‌ها «آن اجزاء فراموش شده یک تلمیح متحد را زیر ذره‌بین برده و برجسته‌تر کرده است» (همان: ۲۳) برای نمونه جایگزینی سیب به جای گندم در مورد میوه ممنوعه حضرت آدم و اخراجش از بهشت، نارایج بودن سکه‌ها در داستان اصحاب کهف و از این نوع‌اند.

۲-۴-۱- نو بودن و کهنه بودن تلمیح در شعر نظری

به‌طور کلی تلمیحاتی که در شعر نظری به کار رفته‌اند، تلمیحاتی‌اند که در شعر سنتی آمده‌اند. داستان حضرت یوسف (ع) همان‌طور که ذکرش رفت، پرکاربردترین داستان مورد تلمیح در شعر نظری است. این تلمیح هم‌چنین یکی از پرکاربردترین تلمیحات در شعر سنتی نیز بوده است و کمتر جزئی از تلمیح به این داستان می‌توان یافت که در شعر سنتی مورد اشاره قرار نگرفته باشد. انداخته شدن یوسف به چاه توسط برادرانش، فروخته شدنش در بازار بردگان، داستان پیرزن دوک ریس که قصد خرید حضرت یوسف را داشت، داستان یوسف و زلیخا و زنان مصر و بریدن دست، یوسف و تعبیر خواب و ... همه اجزای این تلمیح‌اند که به کرات در شعر سنتی تکرار شده‌اند. هم‌چنین تلمیح به ماجرای حضرت آدم و بیرون انداخته شدن از بهشت، خوردن میوه ممنوعه، و.. همواره در شعر سنتی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. تنها جزئی از نوگرایی تلمیح حضرت آدم را می‌توان در جایگزین کردن «سیب» به جای «گندم» دانست که همان‌طور که شفیع کدکنی اشاره کرده است تحت تأثیر فرهنگ غربی بوده است. داستان حضرت نوح و طوفان نوح، صبر حضرت یعقوب در فراق یوسف و تلمیحاتی کهنه و تکراری در شعر سنتی‌اند. داستان اصحاب کهف هم هر چند در شعر سنتی مورد تلمیح بوده ولی وجه نوگرایی تلمیح نظری در این است که به «بی‌رواجی» سکه آنان اشاره کرده که جزئی از این داستان است که در تلمیحات سنتی مورد توجه نبوده است. در تلمیحات با خاستگاه عرفانی نیز رنگ سنت، غالب است و این تلمیحات که تلمیح به حلاج و بر دارشدن او و قصه خلقت آدم است در متون قدیمی آمده‌اند. در تلمیحات با خاستگاه تاریخی، تلمیح به «کوروش» تلمیحی معاصر است و در شعر سنتی، شاعران به آن نپرداخته‌اند. در شعر سنتی هر چند پادشاهان اساطیری هم چون کیکاووس، جمشید، دارا (داریوش) مورد تلمیح بودند ولی نامی از کوروش نیست؛ ورود کوروش به دایره تلمیحات معاصر ناشی از شرایط خاص سیاسی و اجتماعی دوره معاصر است. در تلمیحات حماسی نیز، تلمیحات همان‌هایی است که در شعر سنتی بارها آمده‌اند. در تلمیحات عاشقانه نیز عناصر سنتی هم چون فرهاد و شیرین و ناکامی فرهاد در عشق، در شعر نظری مطرح شده که بارها در اشعار شاعران سنتی آمده است. در تلمیحات تاریخی نیز داستان دیوجانس یونانی که در مثنوی و دیگر آثار آمده در غزل نظری نیز وارد شده است. داستان چراغ به دست گرفتن و در روز دنبال انسان گشتن از اجزاء معروف این تلمیح است که در مثنوی و آثار دیگر مورد تلمیح بوده است؛ دیوجانس «که نامش به صورت «دیوژن» نیز تلفظ می‌شود فیلسوف یونانی است. از او در ادبیات فارسی حکایات متعددی ذکر شده است از جمله همان چراغ در دست گرفتن و در روز روشن به دنبال انسان گشتن» (ابومحبوب، ۱۳۸۲: ۲۴۹) در یک مورد نظری تلمیحی به یک شخصیت تاریخی به نام «بهلول» را آورده که این تلمیح نو نیز در نتیجه تأثیر فرهنگ شفاهی در شعر است؛ در فرهنگ عامه از بهلول که از «عقلاء مجانین» بوده داستان‌های پندآموز بسیاری بر سر زبان‌هاست، با این همه تلمیحی این شخصیت در شعر سنتی نشده است.

۲-۴-۲- نو بودن و کهنه بودن تلمیح در شعر ترکی

در شعر ترکی نیز همانند شعر فاضل نظری، قریب به اتفاق تلمیحات با خاستگاه قرآنی، تلمیحاتی تکراری در ادب فارسی‌اند و در شعر دیگر شاعران سنتی آمده‌اند. حضرت آدم و هبوط از بهشت و گریه‌های او، یوسف و زنان مصر و بریدن دست، حضرت موسی و درخواست دیدار خدا و جواب لن

ترانی، ابراهیم و آتش و گلستان، حضرت محمد (ص) و تنیدن عنکبوت بر در غار و دیگر تلمیحات قرآنی که در شعر او آمده‌اند، در شعر سنتی نیز بارها تکرار شده‌اند و تلمیحاتی کهنه‌اند. داستان حضرت ایوب نیز از داستان‌هایی است که در شعر ترکی تلمیح به آن شده و در شعر سنتی بارها «صبر ایوب» و «کرم»ها مورد توجه گویندگان بوده است. ترکی جزئی نو از این داستان را که اشاره به «گیسوی سفید» حضرت ایوب بوده است، مورد توجه قرار داده و در تلمیح نوآوری کرده است چیزی که در شعر سنتی چندان به آن پرداخته نشده است. غالب تلمیحات نو در شعر ترکی در تلمیحات آیینی و مذهبی است؛ همان‌طور که ذکرش رفت تلمیحات مذهبی و آیینی در شعر ترکی بر تلمیحات قرآنی پیشی می‌گیرد و این ویژگی را می‌توان یک مشخصه سبکی در شعر آیینی معاصر دانست که نمود و حضور فرهنگ شیعی بیشتر از سایر موارد است و گفتمان شیعی پا به پای گفتمان دینی در شعر حرکت می‌کند و در کنار تلمیحات دینی، تلمیحات آیینی و مذهبی نیز قد می‌کشند. این ویژگی نشان از آن دارد که در دوره معاصر غلبه نگاه ارزش مدار شیعی بیشتر است. شعر آیینی معاصر «همسو با انقلاب اسلامی و آمیخته با بن‌مایه‌های مذهبی» (قبادی، ۱۳۸۹: ۱۵) است. بر این اساس تلمیحات نو مرتبط با فرهنگ شیعی در شعر وارد می‌شود که در گذشته چندان کاربرد نداشته‌اند. در این مورد تلمیحات جدیدی هم چون گریه کردن حضرت علی (ع) در چاه و راز گفتن با چاه و خون شدن آب چاه، جنگ صفین و عبارت «لا حکم الا لله» و فریب خوردن لشکر عراق، «حجر بن عدی» از یاران پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع)، تلمیح به خروج سفیانی و خراسانی که از وقایع آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج) اند، به کار گرفته شده‌اند. دفن کردن پنهانی حضرت فاطمه (س)، مصائب حضرت زینب (س) در کربلاء، تلمیح به «حبیب ابن مظاهر» از یاران امام در کربلاء، بر نیزه کردن سر مبارک امام حسین (ع)، نامه‌های کوفیان به امام، اصابت تیر حرمه ملعون در کربلا بر گلوی مبارک حضرت علی اصغر (ع)، شهادت علی اکبر (ع) در کربلاء، همه تلمیحاتی نو و برگرفته از فرهنگ شیعی‌اند و نشان از دید مذهبی ترکی دارند. این تلمیحات در شعر شاعران سنتی چندان کاربرد ندارند و هر چند واقعه کربلا همواره توسط شاعران سنتی مورد اشاره بوده ولی اجزایی که ترکی به آن اشاره داشته، مورد تلمیح شاعران سنتی قرار نگرفته‌اند و این وجه نشان از گستردگی نو بودن این بخش از تلمیحات ترکی در مقایسه با سایر بخش‌هاست. در تلمیحات تاریخی شاعر نیز تلمیحات نو را می‌توان دید. تلمیح به حمله مغول و چنگیز به ایران و قتل و کشتارهای چنگیزی، حمله تیمور گورکانی و کشت و کشتار و قساوت او، هم‌چنین تلمیح به دفاع مقدس و عملیات‌هایی هم‌چون فتح‌المبین و فتح‌الفتوح در اشعار شاعر دیده می‌شود. تلمیح به «کمیت بن زید اسدی» شاعر عرب زبان شیعه که اشعارش در فضایل اهل بیت زبانزد بود نیز تلمیحی نو است که ریشه در دید ایدئولوژیک ترکی دارد. خلاف نوگرایی‌های ترکی در تلمیحات آیینی و تاریخی دارد، در تلمیحات عرفانی و عاشقانه، مواردی که مورد استفاده قرار گرفته، به کرات در شعر شاعران سنتی آمده است. از جمله تلمیح به بر دارشدن حلاج و داستان لیلی و مجنون. در تلمیحات حماسی نیز عناصر حماسی کهن حاکم است و تلمیحاتی آمده که در شعر شاعران سنتی مورد اشاره قرار گرفته است. تلمیحاتی هم‌چون جنگ افراسیاب و تهمتن (رستم)، شخصیت‌هایی چون افراسیاب و گرسیوز و کیکاوس، تنها اشاره جدیدی که می‌توان یافت خیانت «شعاد» نابرداری رستم است. موضوعی که در شعر «آخر شاهنامه» اخوان به آن توجه شده است.

۲-۴-۳- نو بودن و کهنه بون تلمیح در شعر سیار

تلمیحات با خاستگاه قرآنی در شعر سیار نیز کهنه و تکراری‌اند. این تلمیحات پیش از او بارها در شعر شاعران سنتی آمده است. داستان حضرت موسی و ساحران، حمله ابرهه به خانه خدا و مرغان ابابیل، داستان حضرت ابراهیم و چهار پرنده‌ای که خداوند فرمود تا سرشان را ببرد و در بالای کوه جداگانه قرار دهد، یوسف و چاه و خیانت برادران، تلمیح به داستان برادران یوسف که به حضرت یعقوب گفتند گرگ یوسف را درید، حضرت آدم (ع) و حوا (ع) و رانده شدن از بهشت، حضرت موسی (ع) و فرعون و شبانی حضرت موسی، حضرت نوح (ع) و ساختن کشتی و آمدن طوفان و سرپیچی کردن کنعان از آمدن در کشتی همه تلمیحاتی‌اند که در شعر کلاسیک آمده‌اند. تلمیح به داستان هابیل و قابیل نیز تلمیحی کهنه است و تنها جزء نو این تلمیح، حضور کلاغ است که در شعر کلاسیک مورد غفلت بوده است. خداوند «کلاغی» را مأمور ساخت تا چگونگی دفن جسد را به وی بیاموزد.

دریغا به این قصه هرگز کلاغی نیامد دریدند قایل ها نعش هابیل ها را (سیار، ۱۳۸۸: ۳۵)

برخلاف تلمیحات قرآنی، در تلمیحات مذهبی و آیینی، غالب تلمیحات نو و جدیدند و سیار بسیاری از ابعاد زندگی و شخصیتی ائمه (ع) را مورد اشاره قرار داده که در شعر کلاسیک دیده نمی شود و این عامل نیز همانطور که ذکرش رفت از برکات انقلاب اسلامی و غلبه گفتمان شیعی در ایران عصر انقلاب است. ذهنیت سیار نیز که ذهنیتی ایدئولوژیک است، در گنجاندن این تلمیحات در شعر نقشی بنیادین داشته است.

در شعر سیار، بسیاری از زوایای پنهان زندگی مولای متقیان حضرت علی (ع) و وقایع مرتبط با زندگی شان، آمده است که در شعر شاعران سنتی اشاره ای به آن نشده است. عدالت حضرت علی (ع) و ندادن صاعی گندم از بیت المال به برارش عقیل، خون گریه کردن مولا در وفات حضرت فاطمه زهرا (س) و حس غریبی، باغ فدک و شکسته شدن پهلوی حضرت زهرا (س)، ساده زیستی حضرت علی (ع) و قناعت به نان و نمک، سستی سپاه کوفه، تلمیح به «قرآن بر سر نیزه کردن در جنگ صفین» و فتنه عمر و عاص و منصرف کردن مالک اشتر از جنگ، ماجرای ابن ملجم همه تلمیحاتی نو هستند که در شعر سنتی چندان مورد توجه نبوده اند و اشاره ای به آن نشده است.

همچنین غالب اجزاء برگرفته از واقعه کربلا نیز، نو و جدیدند. اگرچه در تلمیحات اشعار سنتی به «شمر» اشاره شده، خاقانی می سراید:

من حسین اهل و نااهلان یزید و شمر من روزگارم جمله عاشورا و شروان کربلا (خاقانی، ۱۳۸۲: ۲)

ولی «بستن آب فرات» بر روی یاران امام (ع) چندان مورد تلمیح نبوده که در شعر سیار تلمیح به آن توجه شده و می توان گفت که جنبه نوگرایی دارد (سیار، ۱۳۹۱: ۴۳) تلمیح به واقعه کربلا و حضور علی اصغر (ع) در آن و شهادت این طفل شیرخواره نیز تا حدودی تلمیحی نو محسوب می شود. خود مؤلف در زیر عنوان شعر «بعد از تو» نقل قول امام را می آورد که آمده است «پس حسین علیه السلام صورت به صورت فرزندش نهاد و فرمود بعد از تو خاک بر سر دنیا باد» (سیار، ۱۳۹۳: ۵۱) اساس غزل «رود رود» (همان: ۵۲) نیز تلمیح به حضرت ابوالفضل (ع) سقای کربلا و تلاش برای آوردن آب از رود فرات به تشنگان کربلا دارد که تلمیحی نو بوده و در اشعار سنتی چندان مورد تلمیح قرار نگرفته است. کوفیان و نامه هایی که به امام (ع) نوشتند نیز (سیار، ۱۳۸۸: ۲۹) در شعر سیار مورد تلمیح قرار گرفته که مسبوق به سابقه نیست. اسارت و رنج ها و محنت های حضرت زینب (س) و شام غریبان (سیار، ۱۳۹۱: ۷۶) نیز از تلمیحات نو مطرح شده در شعر سیار می باشد. هم چنین سیار در یک مورد نیز به زندانی شدن امام موسی کاظم (ع) و «تقیه» که یکی از روش های مبارزات سیاسی ایشان بوده (سیار، ۱۳۸۸: ۴۱) اشاره داشته که برگرفته از معارف شیعی است و در شعر سنتی تلمیحی به آن نشده است. تلمیح به غیبت کبرای امام زمان (عج) و مسئله ظهور نیز مورد توجه شاعران سنتی نبوده و در شعر سیار مورد تلمیح قرار گرفته است (سیار، ۱۳۹۱: ۳۶). تلمیحات عرفانی سیار نیز مواردی است که در شعر کلاسیک بسیار به آن اشاره شده و چندان نوگرایی در این زمینه وجود ندارد. در زمینه تلمیحات عاشقانه نیز اشاره به داستان عشق فرهاد و شیرین و لیلی مجنون شده که تلمیحاتی تکراری در ادبیات سنتی فارسی اند. در بعد تلمیحات با خاستگاه اسطوره نیز، داستان اسکندر و جستجوی آب حیات در ظلمات و داستان سیاوش مورد نظر بوده که تلمیحاتی تکراری اند. هم چنین سیار تلمیحاتی با خاستگاه تاریخی آورده که تا حدودی نو محسوب می شوند. و در شعر شاعران سنتی چندان مورد توجه نبوده اند مثل تلمیح به «سربداران» و «حافظ و شاخ نبات».

۲-۵- تلمیح و ذهنیت

تلمیح نیز مانند «تصویر» و پاره ای دیگر از عناصر روساختی و ژرف ساختی شعر، ریشه در ذهنیت شاعر دارد و نمایانگر روحیات و دهنیات و عالم فکری اوست. همان طور که شاعران به سمبل ها و دیگر عناصر روساختی شعر بار معنایی جدیدی را حمل می کنند و افکار و اندیشه های خود را در قالب آن بیان می کنند و «اسطوره ها و افسانه ها با ظرفیت شاعرانه و سمبلیک و تأویل پذیری که دارند می تواند در هر دوره ای بر حسب شرایط و اوضاع خاص اجتماعی بار معنای جدید را بپذیرند و از طریق تأویلی جدید سمبل بعضی افکار و حوادث نو در زمینه رخدادهای سیاسی و اجتماعی جامعه قرار بگیرند»

(پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۴۵). تلمیحات نیز ابزاری برای شاعر در جهت بیان ایدئولوژی و ذهنیت اوست و با عالم ذهنی او پیوند دارد. هر شاعری بنا به این روحيات خود تلمیحات خاصی را در شعر خود می‌آورد و هم‌چنین کارکردی خاص به این تلمیحات می‌بخشد. برای نمونه، رویکرد شاملو در تلمیحات نمایان‌گر نوع نگاه و تفکرات اوست. او شاعری است که چندان میانه‌ای با فرهنگ سامی ندارد؛ بر این اساس همان‌طور که اشاره کرده‌اند تلمیحات سامی در شعر او کم‌رنگ است و غرب‌گرایی او سبب شده تا تلمیحات غربی و یونانی در شعرش جایگاه خاصی داشته باشد: «شاملو را در طی شعرهایش نسبت به تلمیحات سامی، بی‌توجه می‌بینیم تنها دو مورد در شعر او هست که بر پایه تلمیحات سامی بنا نهاده شده است» (محمدی، ۱۳۷۴: ۳۶) و تلمیحاتی که بسیار تکرار می‌شوند و از آن با تعبیر «تلمیحات مرکزی» یاد شده، «با ناخودآگاه شاعر در ارتباط هستند و به طور غیر مستقیم علاقه‌ها، نفرت‌ها، خواسته‌ها و ناخواسته‌های او را برای ما آشکار می‌کند» (همان: ۲۸). بر این اساس پیوند تلمیح با ذهنیت و گرایشات فکری شاعران امری انکارناپذیر است و هم‌چنین بهره جستن از تلمیح در جهت انتقال ذهنیت نیز در شعر شاعران موضوع پژوهش نیز ارتباط تلمیح با ذهنیت و علایق و عوالم فکری را شاهد هستیم. تلمیح در شعر در اغلب موارد، صرفاً برای تلمیح نیست و مقصد و مقصودی از آن دنبال می‌شود و شاعران اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی خود را با بهره جستن از آن بیان می‌کنند. نظری که ذهنیتی غنایی دارد، تلمیحات قرآنی را در جهت تبیین موضوعات غنایی به کار می‌برد. در بیت زیر شاعر با تلمیچی به داستان حضرت موسی، بازیچه شدن خود از جانب معشوق را به ارتباط بین حضرت موسی (ع) و دریا مانند می‌کند و از تلمیح در جهت تداعی مفهومی عاشقانه بهره می‌برد:

مرا بازیچه خود ساخت چون موسی که دریا را فراموشش نخواهم کرد چون دریا که موسی را (نظری، ۱۳۹۳: ۲۵)

هم‌چنین با این رویکرد غنایی، از تلمیحات دینی در جهت تبیین امور عاشقانه بهره می‌برد:

خیانت قصه تلخی است اما از که می‌نالیم «خودم» پرورده بودم در حواریون یهودا را (همان: ۲۵)

در ابیات زیر نیز داستان حضرت یوسف (ع) و تلمیح به آن ظرفی شده تا شاعر موضوعی عاشقانه را در قالب آن بیان کند و تلمیح با خاستگاه دینی را در جهت تبیین دیدگاه غنایی و رمانتیک خود به کار گیرد:

یعقوب صبر داشت و دوری کشیده بود چون نیستم صبور چرا امتحان دهم
یوسف فروختن به زر ناب هم خطاست نفرین تو را اگر به تمام جهان دهم (نظری، ۱۳۸۸: ۲۵)

آمیختن عشق و تلمیح دینی و قرآنی نیز در ابیات زیر مشهود است و نظری منطبق با ذهنیت غنایی خود تلمیچی دینی را در جهت موضوعات غنایی مورد بهره برداری قرار داده است:

لب تو میوه ممنوع ولی لبهایم هر چه از طعم لب سرخ تو دل کند نشد (همان: ۱۹)

در کنار این، گسترده‌ی تلمیحات دینی و قرآنی در شعر شاعر نشان از گرایشات عمیق و شناخت ژرف او از دین و آموزه‌های دینی است که خود می‌تواند گرایش دهنی شاعر را برای ما آشکار سازد. عدم حضور تلمیحات غربی در شعر این شاعر نیز می‌تواند دلیلی بر رویکرد او به فرهنگ ملی و اسلامی باشد. در تلمیحات ترکی نیز ارتباط عمیق بین ذهنیت و تلمیح را به وضوح می‌بینیم. گسترده‌ی تلمیحات آیینی و مذهبی در شعر او نشان از گرایشات فکری او به سمت و سوی شعر آیینی دارد و دلبستگی شاعر را به فرهنگ شیعی-اسلامی آشکارا نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که شعر شیعی «بعد از انقلاب اسلامی، تحت تأثیر گفتمان تشیع، رفته رفته به یک ایدئولوژی مسلط در شعر معاصر تبدیل شد و به ویژه در دو دهه اخیر با توجه به فراهم بودن زمینه‌های سیاسی-اجتماعی از یک سو و فعالیت‌های مداوم انجمن‌های شعری در دهه‌های قبل تر از سویی در شکل‌های بیرونی و درونی، صوری و

محتوایی گسترده‌تری منحصر به فردی یافته و یکی از شاخه‌های قدرتمند، جاندار و جان‌بخش شعر امروز تبدیل شده است» (عباسی و واعظی، ۱۳۹۹: ۸). نمود این گرایش ایدئولوژیک در تلمیحات ترکی به عنوان یکی از شاعران آیینی معاصر دیده می‌شود و رویکرد غالب ذهنی او را به نمایش می‌گذارد. تلمیحات آیینی که حدود ۳۸ درصد شعر او را شامل می‌شود نشان از پابندی ترکی به گفتمان شیعی دارد که گفتمان غالب بعد از انقلاب است. هم‌چنین در کنار این، فراوانی تلمیحات قرآنی نیز گرایش‌های دینی شاعر و تمایلات دینی او را نشان می‌دهد. عدم حضور تلمیحات فراملی بخصوص تلمیحاتی که از فرهنگ یونانی و غربی گرفته شده نیز نشان از رویکرد خاص شاعر دارد و توجه و احترام او به فرهنگ ملی و ایرانی-اسلامی را نشان می‌دهد. گاه نیز ترکی از تلمیحات در جهت تبیین اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی خود سود می‌جوید. وقتی اوضاع زمان و نادانی و جهالت سیاسی برخی ابناء زمانش، روح او را می‌آزارد با تلمیحی به وقایع مربوط به مولای متقیان، او را در گریه کردن در چاه، حق به جانب می‌یابد و می‌سراید:

حق داشتی که در دل شب ها فرو بری تنهاترین غریب زمین سر به چاه ها (ترکی، ۱۳۹۱: ۶۰)

هم‌چنین با مانند کردن اوضاع زمانه خود در برخی مقاطع تاریخی به اوضاع زمان حضرت علی (ع) و جهالت دینداران ظاهرنا که چون لشکر امیرالمومنین فریفته «لا حکم الا لله» عمر و عاص شدند، دیدگاه سیاسی خود را بیان داشته و شباهتی بین مردم زمانش و زمان علی (ع) برقرار می‌کند و با تلمیح آیینی، هم هنری بیان کرده و هم عمق به مطلب می‌بخشد:

از حرف حق اراده باطل کنند و نیست جز کفر و شرک معنی این لا اله ها (همان: ۶۰)

در بیت زیر نیز شاعر نارضایتی خود را از گروهی نادان عاقل‌نما در قالب تلمیحاتی با خاستگاه اساطیری-حماسی بیان می‌کند و اینان را به خاطر دانش کم سیاسی و در طرف مخالف اندیشه سیاسی شاعر قرار گرفتن به «گرسبوز» مانند می‌کند و به این شکل از تلمیح در جهت تبیین ذهنیت و رویکرد فکری-سیاسی خود بهره می‌برد. گرسبوز در شاهنامه با صفاتی چون «فرییکار، حیل‌گر و حیل‌ساز آمده» (جعفریه و فروزنده، ۱۳۹۹: ۶۵) و ترکی نیز نادانی و جهالت و حیل‌سازی گروهی را با اندیشه‌های سیاسی خاص در قالب این تلمیح بیان می‌کند:

ای کاش مرد آتش و خون بودند، افراسیاب جنگ و جنون بودند

گرسبوزان دون و زبون این جا پیران این جماعت بی پیرند (ترکی، ۱۳۸۸: ۵۵)

ترکی در تلمیح به داستان «زرقاء» نیز تلاش دارد تا با اشاره به پیروی از «زرقاء» که نماد «انسان با بصیرت» است، دیدگاه سیاسی خود را ابراز دارد و در قالب این تلمیح رویکرد سیاسی خود را هر چه بهتر، تبیین کند. در واقع تلمیح برای او وسیله ای قرار گرفته در جهت تبیین گرایش‌های سیاسی‌اش:

زرقاء نگاه کرد به آفاق دور دست کاوید و دید وسعت دشت یمامه را (ترکی، ۱۳۹۷: ۳۷)

ذهنیت و گرایش‌های فکری سیار نیز به وضوح در تلمیحاتش نمایان است. بسامد بالای تلمیحات قرآنی و مذهبی نشان از گرایش‌های عمیق دینی شاعر دارد و بخصوص تلمیحات مذهبی و آیینی که از دیگر تلمیحات پیشی می‌گیرد، نشان از قوت گفتمان شیعی در ذهنیت این شاعر آیینی است. گرایشی که در شعر معاصر دیده می‌شود و «گرایش شاعران جوان ایران به شعر آیینی، گرایشی است نیکو و با برکت و حتی در حدی غیر قابل پیش‌بینی» (کاظمی، ۱۳۸۰: ۵۴) تلمیحات مرتبط با حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) به سبب تکرار زیاد از تلمیحات مرکزی غزل او هستند. سیار در تلمیحات خود بیشتر منعکس کننده ذهنیت سیاسی اجتماعی و نگرش‌های خاص خود است و پیوند عمیقی بین تلمیحات و ذهنیتش وجود دارد. او اعتراض به کاخ‌نشینی برخی مدعیان انقلاب را چنین در قالب تلمیحی به باغ فدک، به نظم می‌کشد:

شما به سایه باغات خویش خوش باشید اگرچه باز گلولی دم از فدک بزند (سیار، ۱۳۸۸: ۳۶)

در ابیات زیر نیز با تلمیح به داستان حضرت موسی (ع)، موسی و ساحران را نماد گروه‌هایی خاص در جامعه حاضر قرار داده و به این شکل به واسطه تلمیح، مفهوم ذهنی خود را هر چه بیشتر عینیت بخشیده و در قالب هنری بیان می‌دارد:

اگر این ساحران اطوار می‌ریزند طوری نیست عصا در دست اینک می‌رسند از کوه موسی‌ها (سیار، ۱۳۹۳: ۳۳)

او هم چنین برای عینی کردن وقایع سیاسی که در زمانه حاضر رخ می‌دهد، دست به دامن تلمیحات می‌شود و در قالب این تلمیحات و با بهره‌گیری از پشتوانه دینی و مذهبی ملت، درصدد است تا تمایز حق و باطل را نشان دهد. در این مورد مالک اشتر و نزدیک بودنش به پیروزی و فریب خوردن لشکر جاهل بهترین نمونه است:

مالک رسیده است به آن خیمه سیاه تنها سه چرا گام... نه... این گام آخر است
اما صدای کیست که از دور می‌رسد گویا صدای ناله «برگرد اشتر» است (سیار، ۱۳۸۸: ۲۸)

شاعر بر این است که این اتفاق در دوره معاصر نیز می‌تواند رخ دهد و بنا به رویکرد ولایت مدار خود پیروی کامل از «ولی بصیر» را توصیه می‌کند. این باور عمیق که شهادت امام حسین (ع) نشانه کمال بود و آرزوی چنین شهادتی بنا به اعتقاد و باور قلبی که دارد کاملاً مشهود است:

در این کشتی درآ پا در رکاب ماست دریاها مترس از موج بسم الله مجراها و مرساها (سیار، ۱۳۹۳: ۳۳)
مالک رها کن آن سوی میدان و بازگرد این سو پر از معاویه های مکرر است (سیار، ۱۳۸۸: ۲۸)

نتیجه‌گیری

بررسی تلمیح در آثار شاعران موضوع پژوهش نشان از آن دارد که این شاعران از تلمیح به عنوان یک صنعت ادبی در شعر خود بسیار بهره برده‌اند. تلمیحاتی که در اشعار این شاعران آمده خاستگاه‌های متفاوتی همچون قرآنی، مذهبی و آیینی، حماسی، تاریخی، اساطیری و... دارد؛ تلمیحات قرآنی، مذهبی و آیینی در اشعار این شاعران بسامد بالایی دارد و بخصوص در شعر ترکی و سیار، تلمیحات آیینی بر تلمیحات قرآنی پیشی می‌گیرد که این هم نتیجه تعلق این دو شاعر به شاخه شعر آیینی است. تلمیحات با خاستگاه‌های عاشقانه، تاریخی، اساطیری و حماسی در شعر این شاعران کم کاربرد است. از لحاظ نو بودن و کهنه بودن تلمیح هم می‌توان گفت که تلمیحات آیینی مطرح شده در شعر این شاعران غالباً نو است و ابعاد جدیدی از زندگی ائمه و یارانشان مورد توجه قرار گرفته است. حال آن‌که تلمیحات قرآنی غالباً کهنه‌اند. پیوستگی تلمیح و ذهنیت در شعر این شاعران نیز قابل توجه است. تعلق به فرهنگ شیعی سبب شده درصدد تلمیحات شیعی و آیینی در شعر این شاعران بیشتر باشد و تلمیحات غربی با توجه به ایدئولوژی خاص این شاعران، در شعرشان دیده نمی‌شود.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب، جلد دوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲. ابومحبوب، احمد (۱۳۸۲). زندگی و شعر سیمین بهبهانی، تهران: ثالث.
۳. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۶-۲۰۰۰). انساب الاشراف، دمشق: چاپ محمود فردوس العظم.
۴. پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴). سفر در مه، تهران: زمستان.
۵. ترکی، محمدرضا (۱۳۸۸). هنوز اول عشق است، چاپ سوم، تهران: تکا (وابسته به نمایشگاه‌های فرهنگی ایران).
۶. _____، _____ (۱۳۸۹). خاکستر آینه، تهران: انجمن شاعران ایران.
۷. _____، _____ (۱۳۹۱). بغض در نواحی لبخند، تهران: هنر رسانه.
۸. _____، _____ (۱۳۹۷). سال‌های بی ترانگی، تهران: شهرستان ادبی.
۹. جعفریه، مهناز؛ عدالت کاشی، فروزنده (۱۳۹۹). تحلیل داستانی و روانشناسی شش شخصیت از دوره پهلوانی شاهنامه، دوفصلنامه ادبیات پهلوانی، سال چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹: صفحه ۷۰-۴۷.
۱۰. خاقانی، افضل الدین بدیل (۱۳۸۲). دیوان، تصحیح و مقدمه و تعلیقات به کوشش ضیاءالدین سجادی، چاپ هفتم، تهران: زوار.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۷۲). مطلع السعیدین و مجمع البحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: فرهنگی.
۱۳. سیار، محمد مهدی (۱۳۸۸). بی‌خوابی عمیق، تهران: سوره مهر.
۱۴. _____، _____ (۱۳۹۱). حق‌السکوت، چاپ ششم، تهران: فصل پنجم.
۱۵. _____، _____ (۱۳۹۳). رودخوانی، چاپ چهارم، تهران: شهرستان ادب.
۱۶. شایگان مهر، محمد؛ قلی پور زبید، طاهره؛ جعفری، محمد (۱۴۰۰). تحلیل کهن الگوهای اسطوره زرقاء در مجمع الامثال میانی و نمود آن در ادب فارسی، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال پانزدهم، شماره ۵۷، صفحه ۴۰۱-۴۲۸.
۱۷. شمس قیس، محمد بن قیس (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعارالعجم، به تصحیح عبدالوهاب قزوینی و تصحیح مجدد مدرس رضوی و تصحیح مجدد سسیروس شمیسا، تهران: علم.
۱۸. شمیسا، سیروس (۱۳۶۸). نگاهی تازه به بدیع، تهران: فردوس.
۱۹. عباسی، جعفر؛ واعظی، مرادعلی (۱۳۹۹). نمودهای تطور و تمایز شعر شیعی فارسی در سه دهه اخیر، فصلنامه شیعه شناسی، سال هجدهم، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۹۹، صفحه ۸۷ تا ۱۹.
۲۰. فشارکی، محمد (۱۳۷۹). نقد بدیع، تهران: سمت.
۲۱. قبادی، حسینعلی (۱۳۸۹). ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و هویت ایرانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
۲۲. کاظمی، محمد کاظم (۱۳۸۰). شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، تهران: پیک جلال.
۲۳. محمدی، محمدحسین (۱۳۷۴). فرهنگ تلمیحات معاصر، تهران: میترا.
۲۴. معلم، علی (۱۳۷۸). رجعت سرخ ستاره، چاپ چهارم، تهران: سوره مهر.
۲۵. معین، محمد (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
۲۶. منزوی، حسین (۱۳۹۵). مجموعه اشعار، به کوشش محمد فتحی، چاپ چهارم، تهران: آفرینش و نگاه.
۲۷. نظری، فاضل (۱۳۸۸). گریه‌های امپراتور، چاپ پنجم، تهران: سوره مهر.
۲۸. _____، _____ (۱۳۹۳). اقلیت، چاپ بست و هفتم، تهران: سوره مهر.
۲۹. _____، _____ (۱۳۹۸). الف، ضد، چاپ چهل و دوم، تهران: سوره مهر.
۳۰. _____، _____ (۱۳۹۸). ب، کتاب، چاپ سی ام، تهران: سوره مهر.
۳۱. _____، _____ (۱۳۹۸). ج، آنها، چاپ پنجاه و یکم، تهران: سوره مهر.

The variety of allusions and its connection with the mentality of poets in contemporary ghazal (Fazel Nazari, Mohammad Reza Turki, Mohammad Mahdi Siyar)

Barat Mohammadi

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

Email: barat.mohammadi@iau.ac.ir : (Corresponding Author)

Abstract

Allusion is one of the most widely used figure of speech in traditional and contemporary poetry. Unlike other forms of rhetorical figures that have lost their use to a large extent in contemporary poetry, but allusion is one of these rhetorical figures that is alive in contemporary poetry. In addition to continuity, this rhetorical figure is also fruitful and seen the new allusions have been added to the circle of poetic allusions in the contemporary period. In the Ghazals of Fazel Nazari, Mohammad Reza Turki and Mohammad Mehdi Siyar, this rhetorical figure is one of the most widely used. As yet no research has been done on different dimensions of allusions of this poet in root and origin, innovation and traditionality, connection with the worldviews. In this study we efforted to critically discuss the poetry of these poets in this regard. The result of the present study shows the dominance of allusions with Quranic and Religious origins in the poetry of these poets. The innovation of these poets has also occurred more in religious allusions. The method of the present study is analytical-descriptive.

Keywords: allusion, contemporary Iranian Ghazal, Fazel Nazari, Mohammad Reza Turki, Mohammad Mehdi Siyar.